



نویسنده : رضوان مرتضی «Radwan Mortada»

منبع و تاریخ نشر : کریدل «2023-06-09» **[102]**

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

**عادل عبدالمهدی ، نخست وزیر سابق عراق :
آمریکا ترور را شکست نمی دهد ، فقط سعی می کند
آن را متعادل کند .**

***Iraq's ex-PM Adil Abdul-Mahdi: 'The US doesn't
defeat terror, it only tries to balance it'***

در یک مصاحبه اختصاصی ، کریدل با عادل عبدالمهدی ، نخست وزیر سابق عراق صحبت می کند که چالش ها ، توطئه های خارجی و جنجال هایی را که دوره دو ساله کوتاه شده تصدی اش را تعریف کرد ، در میان آشفتگی های سیاسی و اقتصادی که ملت را تکان داد ، فاش می کند .

In an exclusive interview, The Cradle speaks to former Iraqi Prime Minister Adil Abdul -Mahdi, who reveals the challenges, foreign conspiracies , and controversies that defined his truncated two-year tenure, amidst political and economic turmoil that shook the nation.



عکاسی کریدل : رضوان مرتضی

عادل عبدالمهدی، نخست وزیر عراق از اکتبر 2018 تا مه 2020، در یکی از پر فرازونشیب ترین دوره های تاریخ معاصر این کشور به عنوان یک شخصیت مهم ظاهر شد.

او که «**عادل عبدالمهدی**» بین روابط با واشنگتن و تهران و بدتر شدن بحران اقتصادی فاصله داشت، در نهایت در مواجهه با اعتراضات مردمی و سرکوب خشونت آمیز دولت استعفا داد.

عبدالمهدی در یک مصاحبه رسانه‌ای نادر با *The Cradle*، صراحتاً جزئیات آن روزهای دلخراش و منافع خارجی - به ویژه از ایالات متحده آمریکا و انگلیس - را فاش می‌کند که در هرج و مرج، تروریسم، فرقه‌گرایی و وابستگی‌های اقتصادی که امروز عراق را فراگرفته است، نقش داشته اند.

عبدالمهدی تلاش‌های دولت **دونالد ترامپ**، رئیس جمهور آمریکا را برای ایجاد واقعیتی جدید در عراق، برخلاف پیشینیان خود، برای بی‌ثبات کردن بیشتر عراق از طریق تبدیل آن به پایگاهی علیه ایران و تشدید حلقه تحریم‌ها علیه بغداد، فاش می‌کند. او می‌گوید ائتلاف غربی ضد داعش فقط هدفش ایجاد تعادل بین گروه تروریستی و کسانی بود که تحت عنوان «ضد تروریسم» علیه آن‌ها می‌جنگند - تا برنده‌ای مشخص نباشد.

سقوط ویا زوال او «یعنی سقوط عبدالمهدی» نه انقلاب اکتبر 2019 که به استعفای او انجامید، بلکه امتناع او از اتخاذ مواضع خصمانه علیه ایران و واحد های **حشد الشعبی** «بسیج مردمی» عراق بود که موقف و مواضع او خوش ایالات متحده نیامد و عبدالمهدی با برشمردن یک سری موقعیت‌هایی که با واشنگتن روبرو شد، نقش **قاسم سلیمانی** را در پیروزی عراق علیه تروریسم فاش کرد...

عبدالمهدی، اقتصاددان حرفه‌ای، همچنین درباره آینده عراق و شام جدید و پیامدهای مورد انتظار آشتی ایران و عربستان در عراق بحث می‌کند.

کریدل: آینده عراق را چگونه می‌بینید؟ آیا نیازی به بازنگری در قانون اساسی و لغو فرقه‌گرایی وجود دارد؟ آیا زمان ساخت یک دولت مدنی مدرن فرا نرسیده است؟

عادل عبدالمهدی: من مخالف این هستم که مدلی را در ذهن خود تصور کنیم و بخواهیم واقعیت را به درون آن بکشیم. ما مطمئناً جاه طلبی‌هایی داریم، اما باید آنها را با واقعیت مطابقت دهیم. در این بخش از جهان، کلماتی هستند که ما آن کلمات را دوست نداریم، مانند کانتون «تقسیم سرزمینی کوچک یک کشور»، فدراسیون، کنفدراسیون و غیره.

به عنوان مثال، سیستم سوئیس، یک کنفدراسیون مبتنی بر کانتون‌ها است و این کشور شاهد درگیری‌هایی مشابه آنچه ما تجربه کرده‌ایم، درگیر شده باشد ایالات متحده همچنین شاهد درگیری بین سیاه‌پوستان و سفیدپوستان و جنگ‌های داخلی قبل از استقرار در سیستم فدرال بود.

من ادعا نمی‌کنم که این کشورها همه مشکلات خود را به طور ریشه‌ای حل کردند، اما آنها وارد مسیر سنتز بین اجزای خود شدند که باعث شد تا بتوانند با یکدیگر همزیستی کنند، زیرا هر جزء حقوق خود را به دست می‌آورد. راه حل در تئوری‌هایی نیست که در کتاب‌ها می‌خوانیم، بلکه در تجربیاتی است که در سرتاسر جهان پیش روی خود می‌بینیم.

گریدل: محمد بن سلمان ولیعهد سعودی به دنبال اجرای دیدگاه خود برای «شرق جدید» است که شامل عراق می‌شود. آیا از رفتن به این سمت حمایت می‌کنید؟

عبدالمهدی: ما مدت‌هاست که طرفدار این بوده‌ایم. سفر من به چین در سپتامبر 2019 در همین چارچوب بود. زمانی که من در سال 2015 وزیر نفت بودم، در دولت **حیدر العبادی**، نخست‌وزیر، پایه‌هایی را برای آنچه امروز به عنوان قرارداد چارچوب اعتباری بین عراق و چین به عنوان بخشی از طرح خود برای بازسازی عراق نامیده می‌شود، گذاشتیم.

رفتن به شرق یک گزینه نظری نیست بلکه به موازات ضعف غرب و موازنه رو به رشد آسیایی، به یک گزینه جهانی تبدیل شده است. پیش از این 70 درصد نفت عراق به کشورهای غربی صادر می‌شد.

امروزه چین به تنهایی بین 700 هزار تا یک میلیون بشکه در روز واردات دارد. ما شاهد صعود آسیایی هستیم و امروزه کشورهای بزرگی در این قاره وجود دارند که از نظر نظامی، اقتصادی، فنی، علمی، اخلاقی و اجتماعی با آمریکا رقابت می‌کنند و حتی در مقاطعی از آنها جلوتر هستند.

حرکت به سمت شرق به یک مسیر طبیعی تبدیل شده است، نه یک تصمیم سیاسی. ما با یک دگرگونی تاریخی بزرگ روبرو هستیم، نه انتخاب‌های سیاسی که ممکن است موفق شوند یا شکست بخورند. این مسیر دارای شتاب و ابزارهایی است که آن را قادر می‌سازد خود را در سطح جهانی تحمیل کند.

گریدل: این همه از کجا شروع شد؟ ارزیابی شما از رهبری پل برمر «Bremer» به عنوان رئیس مرجع موقت ائتلاف، جایی که او عملاً رئیس دولت عراق بود، چیست؟ عراق هنوز تا چه اندازه با عواقب اقدامات خود در آن دوره دست و پنجه نرم می‌کند؟

عبدالمهدی: برمر «Bremer» نشان دهنده اوج استکبار آمریکا است. هنگامی که **زلمی خلیل زاد**، فرستاده ویژه کاخ سفید، اولین نشست رهبران عراق را پس از سرنگونی رژیم صدام حسین ترتیب داد، به نمایندگان اطمینان داد که ایالات متحده مطلقاً هیچ علاقه ای به حکومت بر عراق ندارد و با احزاب اپوزیسیون عراق به توافق رسیدند تا یک سازمان را تشکیل دهند دولت انتقالی **برمر** این روند را متوقف کرد. او در اولین دیدار خود با رهبران عراقی برای ارائه انتظارات و اشنگتن از اداره مدنی که رهبری خواهد کرد، خطاب به همه گفت:

ما فقط به شما به عنوان مشاور نیاز داریم. ما دولت را خواهیم ساخت و نقش شما کمک به ما است».

همه حاضران، توده با رزانی، جلال طالبانی، احمد چلبی، ایاد علاوی و ما این را یک اشغال خارجی غیر قابل قبول می دانستیم. با این حال، **برمر** نظر خود را به زور تحمیل کرد و شروع به صدور قوانین و قوانینی به نام تصمیمات برمر «Bremer» کرد. در مجموع، «111» قانون عراق که هنوز بر بانک مرکزی، وزارتخانه ها و دیگران تأثیر می گذارد. **برمر** بسیار مغرور بود و معتقد بود که می تواند کشور را تحت سلطه خود درآورد و می خواست یک سیستم انتخابات نخبگانی را مانند آمریکا تحمیل کند و نه انتخابات عمومی برای همه مردم عراق. با این حال، **آیت الله علی سیستانی** نپذیرفت و اصرار داشت که نوشتن قانون اساسی به عراقی ها واگذار شود که از طریق مجلس ملی منتخب به آن رأی داده می شود.

کریدل: چه چیزی منجر به بروز درگیری های فرقه ای در عراق شد و آیا ایالات متحده در آن چه دخالت داشت؟

عبدالمهدی: البته آمریکایی ها در آن نقش داشتند. ایالات متحده ترجیح می دهد همه را تضعیف کند تا آنها را کنترل کند. وقتی صحبت از جنگ فرقه ای شد، باید به کسانی برگردیم که در ابتدا جرقه نزاع های فرقه ای را زدند.

القاعده قبل از عراق کشتار را در افغانستان آغاز کرد. اولین ترور بزرگ **آیت الله محمد باقر الحکیم** را در سال 2003 هدف قرار داد و این معنای قابل توجهی دارد. جنگ فرقه ای عراق به این دلیل آغاز نشد که شیعیان نفوذ سیاسی بیشتری در این کشور پیدا کردند، بلکه به این دلیل بود که گروهی وجود داشت که این واقعیت جدید را رد می کرد و از نظر مادی و مستقیم توسط قدرت های خارجی - آمریکایی، انگلیسی و دیگران - حمایت می شد.

آنها شروع به ایجاد گروه های مسلح در مناطق غربی کردند، در حالی که آمریکایی ها به بها نه تبدیل شدن آنها به شبه نظامی از تشکیل کمیته های مردمی در مناطق دیگر

جلوگیری می کردند .

کریدل: آیا اطلاعاتی در مورد نقش آمریکا در حمایت از القاعده در عراق دارید؟

عبدالمهدی: جواب ساده ای نمی دهم . قبل از سال 2011، ائتلاف بین المللی، از جمله آمریکایی ها، علیه تروریسم می جنگیدند . اما ریشه کن کردن کامل این تروریسم در دستور کار آنها نبود .

مثلاً امروز در سوریه این اتفاق می افتد، جایی که می بینیم گاهی آمریکایی ها رهبران القاعده و داعش را هدف قرار می دهند، اما بدون هیچ تلاشی برای از بین بردن کامل این سازمان ها، نوعی توازن بین تروریست ها و دشمنانشان برقرار می کنند . این در سوریه و جاهای دیگر مشهود است .

کریدل: نقش یگان های حشد الشعبی در آزادسازی عراق از دست داعش و از بین بردن تروریسم چه بود؟

عبدالمهدی PMU: یا (واحدهای بسیج مردمی) نقش بسیار مهمی داشت . در سال 2003 ما پیشنهاد ایجاد کمیته های مردمی را دادیم، زیرا زمان لازم برای ایجاد ارتش و نیروهای پلیس را نداشتیم . پس از اینکه برمر «Bremer» ارتش عراق را منحل کرد، ارتش عراق از همان سربازان و افسران تشکیل شد .

احزاب سیاسی که تسلیحات نظامی دارند نسبت به این پیشنهاد ابراز اشتیاق کردند، در حالی که احزاب غیرمسلح با آن مخالفت کردند، زیرا می ترسیدند که این امر باعث برتری دیگران نسبت به آنها شود . آمریکایی ها نیز از کمیته های مردمی می ترسیدند، بنابراین این پیشنهاد رد شد .

زمانی که داعش با چند صد جنگنده **موصل** را اشغال کرد، پنج لشکر نظامی وجود داشت و هیچ کمبودی در سلاح و تجهیزات وجود نداشت بلکه ما با مشکل دکتترین رزمی ارتش و عدم تمایل به فداکاری مواجه بودیم .

کریدل: آیا فساد دلیل سقوط **موصل** به دست داعش نیست؟

عبدالمهدی: دلایل زیادی وجود دارد: فساد، عدم دکتترین مبارزه، تمایل برخی به همکاری با داعش و غیره . زمانی که نیروهای آمریکایی در سال 2004 وارد **فلوجه** شدند، توافق شد که یک تیپ ارتش در این شهر مستقر شود .

بعدها مشخص شد که کل تیپ بعثی بوده است. این احساس که هیچ نهاد نظامی حافظ کشور نیست، همراه با رشد داعش تا حد تهدید بغداد و گسترش ترس در بین مردم، فتوای مرجعیت عالی دینی و بسیج عمومی را به دنبال داشت.

امنیت عراق امروز توسط PMU و نیروهایی - چه قبیله ای و چه غیر قبیله ای - که هیچ علاقه ای به هماهنگی با تروریسم ندارند و در مبارزه با آن محکم تر و قوی تر هستند، حفظ می شود. ایده حشد الشعبی «واحدهای بسیج مردمی» امروز در تمام نقاط عراق وجود دارد.

به عنوان مثال، کردستان به دلیل داشتن نیروهای پیشمرگه امن باقی ماند و آن مناطق شاهد آن چیزی نبودند که بقیه عراق شاهد آن بودند، حتی اگر کردستان توسط القاعده هدف قرار گرفت.

کریدل: نقش سرانشکر قاسم سلیمانی در مقابله با تروریسم در عراق چه بود؟

عبدالمهدی: نقش بسیار بزرگی بود. شهید سلیمانی صفات زیادی داشت. او یک استراتژیست درجه یک بود. او بلافاصله توانست تصویر استراتژیک جامعی از صحنه عملیات، نقاط قوت و ضعف هر یک از طرفین ایجاد کند.

او همچنین توانست با همه اعم از کردها، شیعیان و سنی ها دوستی بیاورد. او همچنین بین مقاومت مردمی و مسیرهای پیمو شده توسط دولت تمایز قائل شد و اینکه هر کدام روش ها و ابزارهای کاری متفاوتی داشتند.

علاوه بر این، او نماینده جمهوری اسلامی ایران بود، کشوری بزرگ با قابلیت های فوق العاده، بنابراین می توانست نیازهای نبرد را بدون طی کردن مسیرهای معمول تامین کند.

او توانست ظرف چند ساعت یک پل هوایی برای تامین تسلیحات عراق ایجاد کند که با سایر طرف ها ماه ها طول می کشید. در میدان، او اولین تصمیم گیرنده بود و همیشه در راس رزمندگان قرار داشت، چیزی که به رهبران جنگ و رزمندگان آنها روحیه می داد و به یگان های ارتش و پلیس روحیه می داد. اگر آن را داشتند، از ابتدا موصل سقوط نمی کرد.

کریدل: چرا آمریکایی ها قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس را ترور کردند؟

عبدالمهدی: من این تصمیم را بیانگر ناامیدی، ضعف و ناتوانی و فرار از بحران آمریکا در عراق می دانم. این تصمیم احمقانه ای بود، زیرا ترور رهبر بزرگی چون

شهید سلیمانی قطعاً ضایعه بزرگی است اما در عین حال عزم را بیشتر می‌کند. حتی بر اساس قوانین ایالات متحده، و قطعاً بر اساس قوانین بین‌المللی، این جنایت بود.

ایالات متحده اغلب مطالبات مشروعی را برای ارائه برنامه‌های مشکوک مطرح می‌کند. امروزه روشن است که انقلاب‌های به اصطلاح هوشمند یا رنگی عمدتاً از حمایت مالی و تبلیغات برای شستشوی مغزی و هدایت توده‌ها به مسیرهای معینی برای خدمت به اهدافی غیر از آنچه برای آن بیرون آمده‌اند، استفاده می‌کنند.

وقایع اکتبر در عراق بیابانگر تمایل آمریکا و اسرائیل برای تضعیف عراق بود، زمانی که عراق شروع به بیرون آمدن - حتی تا حدی - از دایره دیکته‌های آمریکا کرد و در زمانی که نیروهای مقاومت که آمریکا آنها را تروریست می‌داند، در حال قوی‌تر شدن بودند. بنا بر این تصمیم بر این بود که آنها را با ایجاد هرج و مرج و جنگ بین شیعیان و همچنین بین عراقی‌ها تضعیف کنند.

کریدل: یعنی برنامه ریزی شده بود؟ چه کسی پشت آن بود و چه هدفی داشت؟

عبدالمهدی: البته برنامه ریزی شده بود. ادعاهای موجه مشابیه توسط بسیاری از کشورها وجود دارد. وقتی این کشورها به اردوگاه آمریکایی-اسرائیلی نزدیک می‌شوند، جامعه بین‌المللی به کمک آنها می‌آید، اما اگر اینطور نباشد، اغلب از این خواسته‌ها برای برانگیختن مردم علیه دولت‌ها سوء استفاده می‌شود، همانطور که در عراق، لبنان، سوریه، ایران و غیره اتفاق افتاد.

مکان‌ها حتی **چین** که توسعه آن تحسین برانگیز بود، آمریکایی‌ها ناگهان تصمیم گرفتند که رقیب ایالات متحده آمریکا شوند و **ترامپ** تهدید به راه‌اندازی جنگ تجاری علیه آن کرد.

پس از سال 2003، عراق به دنبال متعادل کردن روابط بین ایالات متحده و همسایه ایرانی خود بود. یا ورود **ترامپ** به کاخ سفید، آمریکایی‌ها از بغداد خواستند این سیاست را متوقف کند. آنها با صراحت گفتند: یا با ما هستی یا علیه ما.

عراق با وجود برخی اختلافات نمی‌تواند در مقابل ایران با ایستد. ممکن است با ایران بر سر توزیع آب یا چاه نفت در اینجا یا موضوع دیگری در آنجا اختلاف نظر داشته باشیم، اما این بدان معنا نیست که باید با آن وارد جنگ شویم.

دولت آمریکا، حتی در زمان **جورج بوش** جمهوری خواه، روابط عراق با جمهوری اسلامی را درک می کرد و عراق گاهی پیام هایی را بین دو طرف منتقل می کرد یا روی کار آمدن **ترامپ** همه چیز تغییر کرد. این موضع اعتدالی عراق دیگر برای ایالات متحده قابل قبول نیست.

کریدل: منافع تهران و واشنگتن در عراق چیست؟

عبدالمهدی: روابط با ایران تاریخی است و روابط دو کشور در همه سطوح وجود دارد. میلیون ها عراقی در ایران زندگی می کردند و میلیون ها ایرانی در عراق زندگی می کردند. من در مورد روابط شیعه صحبت نمی کنم.

همین امر در مورد روابط کردهای ایران و کردهای عراق و رابطه فرقه های صوفی اهل سنت در دو کشور نیز صدق می کند. بنا براین، آنها دارای روابط تاریخی هستند، علیرغم اختلافاتی که گاهی اوقات آنها را خدشه دار می کند، همانطور که بین هر دو کشور همسایه اتفاق می افتد.

در طول جنگ عراق و ایران، جمهوری اسلامی در معرض یک کارزار اهریمن سازی گسترده قرار گرفت تا اینکه اشغال عراق توسط آمریکا انجام شد. برخی معتقد بودند که رفاه و توسعه از روابط ما با قدرتمندترین کشور جهان حاصل می شود.

ایران همسایه تاریخی است، ترکیه و کشورهای عربی هم. بر اساس این رابطه تاریخی مشترکات آنها باید تقویت شود و اختلافات حل شود.

کریدل: آیا دولت شما از سوی واشنگتن و تهران تحت فشار بوده است؟

عبدالمهدی: البته فشارهایی از سوی واشنگتن وجود داشت. از زمان سفر **ترامپ** به پایگاه **عین الاسد** و به دلیل حمایت ما از PMU و امتناع ما از وارد شدن به درگیری با جناح های شیعه و غیر شیعه، فشار آمریکا افزایش یافته است.

من به **دیوید سنکر**، مقام آمریکایی گفتم: «روابط ما با ایران به 5000 سال پیش برمی گردد و ایران یک کشور همسایه است. در عین حال ما می خواهیم آمریکایی هایی که 5000 کیلومتر با ما فاصله دارند دوست ما باشند. با این حال، ما نمی توانیم 5000 سال روابط را رها کنیم.»

روزانه میلیون ها ایرانی وارد عراق می شوند و همین تعداد از عراق وارد ایران می شوند در حالی که برای سفر به آمریکا نیاز به ویزا داریم آمریکا برای منافع خود به منطقه آمده است و ایران نیز مانند همه کشورهای منطقه بخشی از منطقه است و از منافع خود دفاع می کند .

ما نمی توانیم روابط خود را با کشورهای همسایه مانند عربستان، ترکیه یا ایران با روابط خود با کشورهای دورمقا یسه کنیم . این یک رابطه وجودی است که به قرن ها قبل برمی گردد و علایق مشترک زیادی دارد .

نمی توان آن را با رابطه با کشوری مقایسه کرد که از راه دور برای دفاع از اسرائیل و تسلط بر نفت و غیره آمده است . من نمی توانم دو چیز را که مساوی نیستند برابر بدانم ما باید روابط خود را با هر حزبی با توجه به ویژگی ها، تاریخچه، وزن و خواسته هایش مشخص کنیم تا بتوانیم نقطه تعادلی در روابط با همه طرف ها پیدا کنیم.

کریدل: چگونه واشنگتن با حضور ایران در عراق مقابله کرد و موفق شد عراقی ها را علیه PMU «واحدهای بسیج مردمی» و ایران تحریک کند که منجر به حوادث اکتبر شد؟

عبدالمهدی: آمریکایی ها قبل از اشغال عراق در سال 2003، مایل بودند ایران را خنثی کنند و اطمینان حاصل کنند که ایران به نفع رژیم صدام حسین مداخله نمی کند . آنها همچنین به حمایت جناح های شیعه که اکثر آنها در جمهوری اسلامی ایران ساکن بودند، نیاز داشتند .

دو کشور از روند سیاسی در آنچه که به نظر می رسید نقش های مشترک داشتند، حمایت کردند و این حتی در جنگ علیه داعش نیز ادامه یافت . آمریکایی ها به نقش PMU، نیروهای مسلح شیعه و ایرانیان روی زمین اذعان داشتند، در حالی که این احزاب نیز به نوبه خود به نقش آمریکا در پوشش هوایی نیروهای ائتلاف در مناطق خاص اذعان داشتند .

این را می توانیم تشخیص متقابل خطوط قرمز هر یک از طرفین یا نوعی هماهنگی بنامیم . این امر تا رسیدن **ترامپ** به کاخ سفید ادامه یافت . پس از آن، هدف آمریکا ضربه زدن به ایران شد که **ترامپ** بارها آن را علنا اعلام کرده است .

وقایع اکتبر در این زمینه برای تضعیف دولت عراق رخ داد که حاضر به دشمنی با ایران و قربانی کردن PMU نشد . این مورد را آمریکایی ها نپذیرفتند .

کریدل: جدای از شرایط بد سیاسی و معیشتی، دلیل اصلی وقوع ناآرامی های اکتبر 2019 چه بود؟

عبدالمهدی: در واقع، شرایط بد سیاسی و معیشتی در عراق دلیل عمده ای نبود. قبل از سال 2017، تروریسم، ترورها، بمب گذاران انتحاری تله های انفجاری دغدغه اصلی مردم بود یا تثبیت شرایط پس از سال 2017، مردم بیشتر به فکر بهبود شرایط زندگی خود بودند.

واقعاً این شرایط رو به بهبود بود، اما آنها بیشتر می خواستند و این حق آنهاست. آنها خواهان خدمات بهتر دولتی و دستمزدهای بالاتر بودند. همچنین آزادی بیان امکان تظاهرات مسالمت آمیز را فراهم کرد.

در سال 2018 با ورود **ترامپ** جمهوری خواه به کاخ سفید یک تغییر اساسی رخ داد. قبلاً نوعی مماشات بین آمریکا و ایران وجود داشت و دو کشور منافع یکدیگر را به رسمیت می شناختند و روابط ما با دو کشور متعادل بود.

مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا به صراحت به ما گفت: «شما باید در مقابل ایران بایستید.» مابه شدت آن را رد کردیم و حتی در بیانیه وزیران دولت تأیید کردیم که بخشی از رژیم تحریم ها علیه ایران نیستیم.

این البته دولت آمریکا را آزار داد. یک سری اتفاقات رخ داد: بازدید ترامپ از پایگاه عین الاسد بدون اینکه ما او را دریافت کنیم، حفاظتی که برای PMU انجام دادیم، بمباران مقر PMU و جناح ها توسط آمریکا و اسرائیل.

اوضاع شروع به تشدید کرد. در اینجا از تظاهرات مسالمت آمیز خودجوش برای بسیج علیه PMU و جمهوری اسلامی بهره برداری شد و شعار "ایران بیرون" شروع شد.

البته احزاب داخلی نیز هستند که در این رویدادها نقش داشتند، از جمله بقایای حزب بعث، بقایای داعش و سایر نیروهای سیاسی که آرزوی رسیدن به بالاترین مناصب را داشتند. همه اینها به اتفاقات اکتبر 2019 منجر شد.

کریدل: آیا عوامل دیگری مانند تصمیم شما برای باز کردن مرزهای عراق و سوریه، باز شدن در برابر **چین** و برکناری **سپهد عبدالوهاب السعدی** (طرفدار آمریکا) از پست ریاست ضد مقابله وجود ندارد. سرویس تروریسم (CTS)؟

عبدالمهدی: این عوامل ممکن است تأثیرگذار باشد اما عامل اصلی، رابطه ما با جمهوری اسلامی و حزب جرگه و همچنین رشد این محور پس از شکست داعش است. قطعاً باز شدن گذرگاه زمینی القائم با سوریه، آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها را آزار داد.

گذرگاه بمباران شد و در حدود 30 نفر شهید دادیم. سفارت آمریکا در بغداد محاصره شد و در هنگام تشییع جنازه آنها تلاش شد به آن یورش برد. همه اینها به تشدید تنش آمریکا و اسرائیل علیه دولت ما کمک کرد.

گشایش در برابر **چین** نشانه تلاش عراق برای خروج از هژمونی آمریکا و غرب و تسلیم شدن به شرایط اسرائیل بود. اشغال عراق هدف راهبردی بزرگی برای سرکوب آن و حفظ آن در محور آمریکا داشت. این هدف بزرگ شکست خورد که به شدت آنها را ناراضی کرد. این قطعاً آنها را آزار می‌دهد.

در مورد برکناری **سپهبد عبدالوهاب السعدی**، عراق در موضوع وجود دارد. او در رتبه اول CTS نبود. رئیس آن، سپهبد طالب شقائی، درخواست انتقال او را کرد و من در مقام فرماندهی کل نیروهای مسلح این کار را انجام دادم.

رابطه من با **سعدی** خوب است. در جریان آزادسازی پالایشگاه بیجی از دست داعش، او از سرکردگانی بود که عملیات نظامی در آن منطقه را رهبری می‌کرد و من هم تپانچه‌ام را به او دادم. هیچ مشکلی بین من و او نبود. توافق من برای برکناری او ممکن است مورد سوء استفاده قرار گرفته باشد – اما من این کار را به دستور رئیس او انجام دادم و قصد داشتیم او را در پست مهمتری منصوب کنیم.

کریدل: آیا آمریکایی‌ها قبل از اکتبر 2019 سعی در تحمیل شرایط سیاسی به شما داشتند و شما آنها را رد کردید؟

عبدالمهدی: من به صراحت گفتم. آنها خواستار حمله به جناح‌های مسلح، جلوگیری از انتقال وجوه به جمهوری اسلامی و رد ورود شهید سپهبد قاسم سلیمانی به عراق شدند.

ما قبلاً هفته‌ای چند بار با سفیر ایالات متحده و همچنین با مقامات ارشد و پرسنل نظامی ایالات متحده و رهبران **ناتو** در این مورد بحث می‌کردیم. ما مشتاق دوستی با

آمریکا و غرب بودیم، اما آنچه را که معتقد بودیم یک سیاست مستقل و متوازن در عراق اجرا می‌کردیم .

پس از پایان دوره **ترامپ**، همه چیز به شرایط قبلی بازگشت . وقتی هر مقام ایرانی به ما سر می‌زد، آمریکایی‌ها اوضاع را وارونه می‌کردند و نه تنها به نخست‌وزیر، بلکه بر تعداد زیادی از مقامات عراقی، در وزارتخانه‌های کشور، دفاع، نفت، بانک مرکزی، اطلاعات فشار می‌آوردند . و بانک تجارت عراق .

فشار در این مکان ها شدید تر بود و به گونه ای ارائه می شد که گویی خدمتی به عراق است . در واقع، این تحکیم وابستگی به آمریکا بود .

کریدل: پیامدهای مورد انتظار آشتی ایران و عربستان بر عراق چیست؟

عبدالمهدی: عواقب مورد انتظار بسیار است . بین عراق و عربستان سعودی و ایران، تاریخچه طولانی روابط و منافع اقتصادی وجود دارد و بخش‌های اجتماعی وجود دارند که در هر یک از این کشورها گسترش دارند .

هرگونه آتش بس پیامدهای مثبت بزرگی خواهد داشت . علاوه بر این، عربستان سعودی و ایران در بسیاری از کشورهای همسایه منافع زیادی دارند و منافعی بین یکدیگر دارند . امروز با کاهش نفوذ کشورهای خارجی به ویژه آمریکا و اسرائیل، ایران و عربستان راهی جز همزیستی، آشتی، پل سازی و همکاری ندارند .

شکی نیست که به دلیل سابقه خصومت، عقب‌نشینی‌ها و ناامیدی‌ها وجود خواهد داشت، اما من معتقدم سیر کلی تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی با وجود پابرجا بودن برخی تردیدها در هر طرف، بیش از پیش به سوی آشتی و نزدیکی پیش می‌رود .

نویسنده و تنظیم کننده این مصاحبه آقای رضوان در مورد شناخت خود چنین میگوید:

بیش از 13 سال تجربه در روزنامه نگاری و تولید رسانه . اشتیاق من برای بیان حقیقت، افق‌های مرا در صنعت رسانه گسترش داد . در سال 2007 کار حرفه ای خود را به عنوان روزنامه نگار در روزنامه الاخبار آغاز کردم . از آن زمان به عنوان روزنامه نگار، مستند ساز، پژوهشگر، نویسنده، تهیه‌کننده اجرایی و تهیه کننده وظیفه مشغول به کار بوده‌ام .

مقالات من در روزنامه الاخبار و سایر روزنامه های خارجی حول مسائل جنایی، اجتماعی و قضایی در لبنان و منطقه می چرخد. من مشتاقم با تحقیقات و نوشته هایم حقیقت را برای مردم آشکار کنم. با توجه به تحقیقات گسترده، نگارش و پوشش انتقادی گروه های اسلامی و جنگ در سوریه، به متخصص این گروه ها و جنبش های جهادی اسلامی تبدیل شده ام. تحقیقات و مصاحبه های من فهرست تماس هایی را که در تمام طرف های مخالف جنگ ایجاد کردم، گسترش داد. من با رهبران القاعده/داعش در سوریه و لبنان، داخل و خارج از اردوگاه های آوارگان فلسطینی دیدار و مصاحبه کرده ام. من دانش و مهارت گسترده خود را در ساخت و تولید فیلم های مستند در مورد منطقه، داعش، جنگ سوریه و جنگ سالاران آن به کار گرفته ام.

در سال 2014 فیلم خانه آبی را تأسیس کردم. این یک شرکت تولیدی مستقر در بیروت، لبنان، متخصص در تولید فیلم های مستند و تبلیغات است.

در سال 2018 اولین کتابم را با عنوان «انقلاب سوریه چگونه ریش کرد» منتشر کردم. این کتاب حاصل کار تحقیقی 6 ساله من در مورد گروه های مختلف جهادی، شورشیان، بمب گذاران انتحاری و گروه های مسلح سوری در سوریه و لبنان است. من کتابم را مرجعی برای هر کسی می دانم که می خواهد به جزئیات جنگ در سوریه بپردازد.

در سال 2020، من "The Hub" را با گروهی از روزنامه نگاران و تهیه کنندگان تأسیس کردم. این شرکت با ارائه خدمات خبری و رسانه ای مورد نیاز در لبنان و منطقه عرب در کمک به خبرنگاران و فیلمسازان تخصص دارد.

تخصص من در تمام موضوعات و موضوعات قبلی باعث شد تا مهمان معتبر و منبع اطلاعاتی برای رسانه های ملی و بین المللی باشم.

----- **با تقدیم احترامات** «15-06-2023»



رضوان مرتضی